

چکیده:

از جمله مسائل مستحدثه و مورد ابتلای جامعه، پیوند اعضا می‌باشد که امروزه با پیشرفت دانش پزشکی در زمینه پیوند اعضا بازار خرید و فروش اعضای بدن نیز رونق شتابنده‌ای یافته است. از آن جایی که نجات جان بیماران نیازمند و رهایی آنان از درد و رنج، راه درمانی جز پیوند زدن ندارند. این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با توجه به ابتلای فراوان جامعه به موضوع پیوند اعضا و خرید و فروش آن، آگاهی عموم مردم با احکام و شرایط آن ضروری است. در این پژوهش که از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته ضمن بررسی و تبیین دیدگاه فقها و حقوقدانان نسبت به این مسأله، به مبانی فقهی پیوند اعضا و خرید و فروش آن و موارد اشتراک آن با حقوق پرداخته شده که پیوند اعضا نقش انکارناپذیر در نجات جان انسان‌ها و بازگرداندن سلامت به آن‌ها دارد به دست آمده است و از نظر شرعی در حالتی که حیات فرد و یا بهبودی وی از یک مرض مهلک و خطرناک، متوقف بر پیوند اعضا باشد جایز، بلکه واجب است.

واژگان کلیدی: پیوند، خرید و فروش اعضا، مرگ مغزی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: کلیات تحقیق و مفاهیم	
۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهش	۳
۱-۲. ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق	۴
۱-۳. اهداف تحقیق	۴
۱-۴. پیشینه علمی موضوع تحقیق	۴
۱-۵. سوال های تحقیق	۵
۱-۶. شرح روش تحقیق	۶
۱-۷. اصطلاحات و تعاریف	۶
۱-۸. تاریخچه پیوند اعضای بدن انسان	۷

فصل دوم: اقسام پیوند اعضای بدن انسان و مبانی فقهی آن

۱-۲. اقسام پیوند اعضا	۱۰
۱-۱-۲. پیوند از اعضای مصنوعی	۱۱
۲-۱-۲. پیوند از اعضای حیوان	۱۲
۱-۲-۳. پیوند از اعضای انسان زنده	۱۳
۱-۲-۴. پیوند از اعضای انسان مرده	۱۵
۲-۲. ادله مخالفان برداشت عضو از مردگان	۲۲
۱-۲-۲. نداشتن منفعت حلال	۲۲
۲-۲-۲. اجماع	۲۲
۳-۲-۲. روایات وارد شده در حرمت بهره بردن از مردار	۲۳
۴-۲-۲. حرمت مثله کردن بدن انسان	۲۵
۵-۲-۲. هتک حرمت میت مسلمان	۲۶
۳-۲. ادله موافقان برداشت عضو از مردگان	۲۸

- ۲۸-۳-۲. حکومت ادله عناوین ثانویه بر ادله عناوین اولیه.....
- ۲۹-۳-۲. روایات.....
- ۳۰-۳-۲. تراجم.....
- ۳۱-۲. حدود ضرورت مجوز برداشت عضو از بدن مردگان.....
- ۳۳-۲. نقش وصیت در برداشت عضو.....
- ۳۵-۲. تأثیر اجازه اطرافیان و اولیای میت مسلمان در جواز برداشت عضو.....
- ۳۷-۲. دیه برداشت عضو از بدن مرده مسلمان.....
- ۳۹-۲. مقدار دیه.....
- ۴۰-۲. موارد مصرف دیه.....
- ۴۲-۲. تشریح.....

فصل سوم: شرایط مبیع و دلایل موافقان و مخالفین خرید و فروش اعضای بدن انسان

- ۴۸-۳-۱. بیع.....
- ۴۸-۳-۱-۱. شرایط مبیع در عقد بیع.....
- ۵۲-۳-۲. دلایل مخالفان بیع اعضای بدن.....
- ۵۲-۳-۱-۲. عدم جواز بیع میت.....
- ۵۴-۳-۲-۲. منفعت حلال نداشتن.....
- ۵۶-۳-۲-۳. حرمت مثله کردن بدن انسان.....
- ۵۷-۳-۲-۴. حرمت ثمن میت.....
- ۵۹-۳-۲-۵. حکم قصاص دیه.....
- ۶۰-۳-۲-۶. مال نبودن اعضای بدن.....
- ۶۱-۳-۲-۷. حرمت اضرار به نفس.....
- ۶۵-۳-۳. دلایل موافقین بیع اعضای بدن.....
- ۶۵-۳-۱-۳. سلطنت انسان بر خود.....
- ۶۶-۳-۲-۲. اراده خداوند مبنی بر رفع سختی و حرج از زندگی انسان ها.....
- ۶۷-۳-۳-۳. اصل برائت.....
- ۶۷-۳-۳-۴. پیوندهای انجام شده در عصر معصومین.....
- ۶۸-۳-۳-۵. قاعده اهم و مهم.....

۳-۳-۶. جسم انسان مال بوده و قابلیت انتقال به صورت تبرعی را دارد..... ۷۰

فصل چهارم: مالیت اعضای بدن و تجویز پیوند اعضای بدن در حقوق

۴-۱. مال ۷۲

۴-۲. عناصر مال ۷۲

۴-۳. مالکیت و اقسام آن ۷۳

۴-۳-۱. اوصاف مالکیت ۷۳

۴-۳-۲. انواع حق مالکیت ۷۴

۴-۳-۳. تفاوت ملکیت ذاتی و اعتباری ۷۵

۴-۳-۴. تفاوت ملکیت انسان بر پیکر خود با مالکیت خداوند بر هستی ۷۶

۴-۴. مالیت و مالکیت اعضای بدن ۷۶

۴-۴-۱. دلیل مخالفان مال بودن و مالکیت داشتن اعضای بدن ۷۶

۴-۴-۲. دلیل موافقان مال بودن و مالکیت داشتن اعضای بدن ۷۸

۴-۵. مالکین اعضای بدن انسان بعد از فوت ۸۱

۴-۵-۱. نقش اذن قبلی (وصیت) در جواز برداشت عضو ۸۲

۴-۵-۱-۱. اقسام وصیت ۸۵

۴-۵-۲. نقش اذن اولیا و ورثه در جواز برداشت عضو ۸۸

۴-۵-۳. نقش حاکم شرع در جواز برداشت عضو ۹۰

۴-۵-۴. نقش اضطرار در جواز برداشت عضو ۹۲

۴-۶. بررسی دیه جداسازی اعضای بدن ۹۲

۴-۷. آثار حقوقی مترتب بر مرگ مغزی ۹۴

نتیجه گیری ۹۷

منابع و مأخذ ۱۰

مقدمه

مسأله پیوند اعضا با هدف نجات جان انسان‌ها، تأمین سلامت و کاهش درد و رنج آن‌ها، به عنوان یکی از ارزنده‌ترین و بارزترین خدمات پزشکی به جامعه بشری، مورد توجه قرار گرفته است. پیوند از انسان مرده، زنده و حیوان به انسان دیگر امکان‌پذیر است. این مسئله قبل از آنکه یک امر پزشکی باشد چون از یک سو مستلزم تصرف در بدن انسان و تمامیت جسمانی و حق فرد و از سوی دیگر، به خاطر هدف نجات انسان‌ها از مرگ یک امر اخلاقی و فقهی و حقوقی است. پیوند اعضا در هر سه حالت امکان‌پذیر است. با تصویب ماده واحده قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آن‌ها مسلم است؛ در تاریخ ۷۹/۱/۱۷، و صدور مجوز قانونی پیوند اعضا توسط قانون‌گذار، جریان آرام معامله اعضای بدن شتاب بیشتری یافت. بنابراین با پیوند اعضای بدن انسان بازار خرید و فروش اعضای بدن رونق یافت.

بنابراین نظر یکسانی بین بیع اعضای بدن انسان وجود ندارد موافقین قائل به جواز خرید و فروش اعضای بدن انسان هستند و مخالفین قائل به عدم جواز خرید و فروش اعضای بدن هستند. و هدف از آن شناخت احکام پیوند خرید و فروش اعضای بدن است. به همین منظور این پایان‌نامه در چهارفصل سامان می‌یابد: در فصل اول به کلیات و مفاهیم تحقیق، و در فصل دوم به اقسام پیوند اعضا و مبانی فقهی آن، و در فصل سوم به مبانی فقهی خرید و فروش اعضای بدن و در فصل چهارم به بررسی تجویز پیوند اعضای بدن در حقوق و در پایان نتیجه‌گیری خواهد شد.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی:

خرید و فروش برخی از اعضای بدن به منظور پیوند آن به بدن انسانی که بدان نیازمند است یکی از موضوعات مبتلابه عصر حاضر به شمار می آید. مقصود از عضو در اینجا آن جزئی است که دارای عمل و وظیفه مستقل می باشد. پیوند یک عضو به شخص دیگر گاهی از یک انسان زنده به انسان دیگر، گاه از یک انسان مرده به انسان دیگر، و در مواردی هم از یک حیوان به انسان صورت می پذیرد. اینکه آیا پیوند عضوی از یک حیوان و یا انسان؛ چه زنده و چه مرده به انسان دیگر جایز است یا خیر، محل بحث فقها و حقوقدانان می باشد. از طرفی دیگر، این پیوند ممکن است مجانی و به صورت اهدای عضو باشد و در مواردی هم ممکن است در قبال پول تحقق یابد. در مورد بیع اعضای بدن دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول، عدم جواز است؛ زیرا مالک حقیقی جسم انسان، خدا است و بدون اذن مالک حقیقی، انسان حق تصرف در جسم خود را ندارد. به باور این عده، مالک حقیقی خدا است و انسان فقط امین جسد خویش می باشد نه مالک آن، از این رو مجاز به تصرف نیست. دیدگاه دوم، جواز خرید و فروش است؛ زیرا انسان، بر بدن خود فی الجمله مسلط می باشد؛ در نتیجه تا زمانی که منعی از طرف شرع به اثبات نرسد می توان به فروش یا هبه آن اقدام نماید. از آن جایی که منعی از سوی شارع به دست ما نرسیده است به دست می آید که شارع آن را امضا کرده است. به بیان دیگر در عصر حاضر اعضای انسان از مالیت عرفی برخوردار است و طبق اطلاقات « وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا؛ خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! » «إِنَّ أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد».

خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام گردانید مگر اینکه تجارتي از روی رضا باشد». فروش اموال جایز است. این پژوهش اولاً، در پی بیان حکم شرعی پیوند اعضا، و ثانیاً، حکم خرید و فروش اعضا از دیدگاه فقها و تعیین وضعیت حقوقی آن است.

۱ - بقره/۲۷۵.

۲ - نساء/۲۹.

۱-۲. ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق:

نجات جان مسلمانان و بیماران نیازمند از مرگ و یارهایی آنها از درد و رنج، و بیمارانی که به واسطه ابتلا به بیماری‌هایی نظیر نارسایی شدید قلب، کلیه، کبد و... راه درمانی جز پیوند زدن اعضای سالم فرد دیگری به جای عضو ناسالم خود ندارند از اهمیت بسیاری برخوردار است و دارای ثواب دنیوی و اخروی زیادی می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر از جهات ذیل دارای اهمیت است:

۱- با توجه به ابتلای فراوان جامعه به موضوع پیوند اعضا و خرید و فروش آن، آگاهی عموم مردم با احکام و شرایط آن ضروری است و این پژوهش در این راستا می‌تواند اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهد.

۲- با توجه به مستحدثه بودن و نقاط ابهام زیادی که در این خصوص وجود دارد این پایان نامه می‌تواند به عنوان یک مجموعه جامع در اختیار مراکز قانونگذاری قرار بگیرد و به آنان در وضع قوانین مطلوب کمک نماید.

۱-۳. اهداف تحقیق مورد نظر:

هدف اصلی:

شناخت حکم پیوند اعضا و خرید و فروش اعضای بدن در فقه امامیه و حقوق

اهداف جزئی

۱- آگاهی از مبانی فقهی پیوند اعضا

۲- شناخت مبانی فقهی بیع اعضای بدن

۳- تبیین موارد مشترک فقه و حقوق درباره پیوند اعضا و خرید و فروش اعضای بدن

۱-۴. پیشینه علمی موضوع تحقیق:

با توجه به جدید بودن و نو بودن مسأله، سابقه تحقیق خاصی نمی‌توان برای این موضوع در کتاب‌های فقهی و حقوق گذشته پیدا کرد. در عصر حاضر به دلیل مبتلا بودن و امکان پیوند اعضای بدن یک انسان به انسان دیگر، برخی فتاوا از سوی تعدادی از فقها صادر شده است. از جمله اینکه امام خمینی در جلد دو

«تحریر الوسیله» ص ۶۲۴ چنین گفته است: «جدا کردن عضو مرده مسلمان برای پیوند به انسان زنده، جایز نیست مگر در صورتی که حیات وی متوقف بر آن باشد». در مقابل، نجفی خوانساری در کتاب «منیه الطالب» ج ۱ ص ۸ چنین می‌گوید: «برداشت عضو از مرده و یا میت و پیوند آن به بیماران این اعضاء پس از پیوند با حلول حیات در آن‌ها از مردار بودن و به تبع آن نجس بودن خارج می‌شود». البته در این اواخر با بررسی‌های به عمل آمده دو کتاب مرتبط با موضوع یافت شد که عبارتند از:

الف- کتاب «پیوند اعضا از نظر فقه و حقوق موضوعه» نوشته‌ی آقای حسن عباس‌زاده؛ وی در این کتاب به مسأله‌ی تشریح و بررسی نظریه‌های فقها درباره‌ی پیوند اندام‌ها و بافت‌ها این مسأله را از دیدگاه فقه و حقوق بررسی کرده است.

ب: کتاب «مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق» نوشته حسین حبیبی؛ وی در این کتاب به تحلیل دقیق مرگ مغزی و پیوند اعضا، دیدگاه‌های متخصصان و نظریات اندیشه‌وران و فقیهان و مستندات فقهی آن‌ها مورد ارزیابی قرار داده است.

در این پژوهش ضمن تشریح چالش‌های فقهی و حقوقی در ارتباط با پیوند اعضا و اقسام آن به بررسی ادله‌ی موافقان و مخالفان خرید و فروش و پیوند اعضای بدن پرداخته می‌شود که جنبه‌ی تفاوت و نوآوری با پژوهش‌های پیشین آشکار می‌گردد.

۱-۵. سؤال‌های تحقیق:

سؤال اصلی:

پیوند و خرید و فروش اعضا در فقه امامیه و حقوق چه حکمی دارد؟

سؤالات جزئی

۱- دلایل مشروعیت پیوند اعضا چیست؟

۲- مبانی فقهی بیع اعضای بدن کدام است؟

۳- موارد اشتراک فقه و حقوق درباره پیوند و خرید و فروش اعضای بدن چیست؟

۱-۶. شرح روش تحقیق:

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام می‌پذیرد. ابتدا اطلاعات جمع‌آوری می‌شود؛ سپس به تنظیم، تبیین و تحلیل آنها پرداخته خواهد شد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود.

۱-۷. اصطلاحات و تعاریف

پیوند

پیوند در لغت عبارت است از: «خویش و تبار، خویشاوند، قوم.^۱ و رشته‌هایی که ماهیچه‌ها را به یکدیگر وصل می‌کنند.^۲ عمل پیوند، عضویا جزیی از بدن انسان که کارایی ندارد از بدن در آورده می‌شود و به جای آن عضو یا جزیی دیگر به کار برده می‌شود و گاه به معنای جایگزینی یک سلول به جای دیگری است. و گاه شامل جایگزینی برخی از اجزای سلول می‌شود. تعریف اصطلاحی پیوند اعضا بس دشوار است، زیرا اصطلاحات در این زمینه به سرعت تغییر می‌کند، ولی تعریف اجمالی آن بدین معناست که عضو یا جزیی که کارایی ندارد و یا ناقص است از بدن شخص بیرون آورده شود و نیز آن عضو و جزء از بدن شخص زنده یا مرده بیرون آورده شود و در بدن شخص با کاشت و پیوند جایگزین گردد.^۳

عضو

عضو در لغت به معنای اندام است؛^۴ عضو در اصطلاح مجموعه بافت‌هایی از بدن یک موجود زنده پرسلولی است که وظیفه مشترک را بر عهده دارد. با پیشرفت علم و اکتشافات جدید، پیوسته تعداد اعضا و اجزای بدن افزوده می‌شود تا آنجا که هر سلول بدن، عضو شمرده می‌شود، زیرا دارای عمل مستقل است، بلکه اجزای درون سلولی و محتویات هسته سلول مانند کروموزوم‌ها را می‌توان عضو نامید.^۵

۱ - دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، ج ۴ ص ۵۲۹۲.

۲ - معین، فرهنگ معین، ج ۱ ص ۵۱۲۶.

۳ - تبریزیان، عباس، مسائل مستحدثه پزشکی، ج ۱، ص ۲۶۸.

۴ - معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۲ ص ۴۲۵.

۵ - تبریزیان، عباس، مسائل مستحدثه پزشکی، ج ۱، ص ۲۶۷.

بیع

بیع از کلمات اضداد است که هم به معنای فروختن آمده است و هم به معنای خریدن^۱. در اصطلاح فقهی ایجاب و قبول از دو طرف کامل (بالغ، عاقل، مختار، دارای قصد و اراده) است. که با رضایت طرفین عین در قبال عوض متعین و معلوم به طرف دیگر منتقل می‌شود.^۲

۸-۱. تاریخچه:

پیوند اعضا به شکل کنونی از مسائل مربوط به عصر ماست تنها برخی از مسائل مربوط به پیوند، هم چون خرید و فروش خون و پیوند عضو مقطوع در مسئله قصاص که از مصادیق بارز پیوند اعضاست را در آثار فقهای قدیم می‌توان یافت. در قرن حاضر خصوصاً در سه دهه اخیر، با پیشرفت‌های شگرفی در علوم مختلف به ویژه در علم طب همراه بوده است.

اطلاعات ثبت شده در ایران، وضعیت مطلوبی را در مورد پیوند به خصوص پیوند کلیه نشان می‌-

دهد.

در قرن دوم قبل از میلاد، جراحان چینی به نام «هوآتو» و «پاچینرو» فرضیه پیوند بعضی بافتها و اعضا را ارائه نمودند.

لیکن به دلیل عدم احراز شرایط در آن زمان، این امر بیشتر به یک افسانه شباهت دارد.

اما در حال حاضر پیشرفت در نتیجه پیوند اعضای چون کلیه، کبد، و بافتهای انسانی آنها را به عنوان درمانهایی قابل قبول درآورده است و سبب رفع اختلاف نظر و مخالفت‌های اولیه شده است در ایران هم چون دیگر کشورها، پیوند اعضا مسأله‌ای حیاتی در عالم پزشکی محسوب می‌شود. به این پیشرفت علم پزشکی که موجب بازگرداندگی حیات به هموعان است دیدگاه‌های متفاوتی دارد. در جمهوری اسلامی ایران قانون پیوند اعضا در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ تحت عنوان قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، به تصویب رسید.^۳

۱- ر.ک: ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، ۲۳/۸.

۲- مکی عاملی، (شهید اول)، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، ج ۱، ص ۱۹۱.

۳- عباسی، محمود، پیوند اعضا، ص ۱۸.

پیوند اعضا بدن انسان به صور مختلف تاریخیچه‌ای دیرینه دارد که به هزاران سال قبل باز می‌گردد و چنین پیوندهایی به صورت ابتدایی در تمدن‌های چینی، مصری، بابلی، و عصر اسلام وجود داشته است. اولین گزارش‌ها از خود پیوندهای پایه‌دار از پیشانی، گردن و گونه‌ها برای بینی، گوش و لب، در کتاب سانسکریت هند به نام ساروشروتا شامیتا پیدا شده است در قرون ۱۱، ۱۲، ۱۳ میلادی مدارس ایتالیا مهد علم پزشکی بود و طی همین برداشت. اولین گزارش قابل اعتماد جراحی پیوند در سال ۱۸۲۲ می‌باشد که جراح آلمانی بانگر، جراحی پلاستیکی را روی بینی زنی با استفاده از گرافت پوستی ران او انجام داد سالهای آخر قرن ۱۹ شاهد پدید آمدن پیوند (گرافت) آزاد بود. ^۱ در سال ۱۸۴۴ قرنیه خوک برای اولین بار توسط کیسان به انسان پیوند زده شد. یک پیوند قرنیه هم در حدود سال ۱۸۸۰ گزارش شده است اولین پیوند موفقیت آمیز قرنیه در سال ۱۹۰۶ توسط زیرم در فرانسه صورت گرفت و در وضعیت فعلی پیوند اعضایی از قبیل قلب، کلیه، کبد، به عنوان درمان قابل قبول در آمده است. ^۲

پیوند اعضا در ایران قدمتی دیرینه دارد و اولین بار ابن سینابه بخیه اعصاب پرداخته است. و همچنین سید اسماعیل جرجانی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی اشعار می‌دارد که جای گزینی استخوان سگ به جای استخوان انسان باعث التیام می‌گردد. ^۳ و آنچه در بررسی تاریخیچه کاملاً روشن است آغاز انجام پیوند، از سال ۱۳۱۰ میلادی است. در این خصوص اولین لایحه پیشنهادی راجع به اجازه پیوند اعضای بدن فوت شدگان در موارد خاص در خرداد ۱۳۷۲ به کمیسیونها بهداری و بهزیستی امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ارجاع گردید که مبنای آن فتوی‌ امام و مقام معظم رهبری می‌باشد. که به صورت ماده واحده ارائه گردیده است که متن آن ذیلاً ذکر می‌شود.

این لایحه به صورت ماده واحده ارائه شده است که فتوی‌ امام و آیت الله خامنه‌ای مبنا و مجوز آن می‌باشد. ^۴

۱ - لاریجانی، باقر، پیوند اعضا (مباحث علمی، حقوقی، اخلاقی و فقهی)، ص ۳۷.

۲ - همان، ص ۳۹.

۳ - داوود، آقاخانی، پیوند اعضا و مرگ مغزی از نظر اخلاق پزشکی و معارف اسلامی، ص ۲.

۴ - ملک زاده، رضا، پیوند اعضا، مجله نبض، شماره هفتم سال اول.

فصل دوم

اقسام پیوند اعضا و مبانی فقهی آن

پیوند اعضا اقدامی حیات بخش در مبتلایان به نارسایی پیشرفته اعضا بوده و موجب بهبود کیفیت زندگی بیماران می‌شود.

این مساله قبل از آنکه یک امر پزشکی باشد، چون از یک سو مستلزم تصرف در بدن انسان و تمامیت جسمانی و حق فرد و از سوی دیگر، به خاطر هدف نجات انسانها از مرگ و یا رهایی آنها از درد و رنج بیماری‌های مهم است، یک امر اخلاقی، فقهی و حقوقی خواهد بود. لذا پرداختن به این ابعاد، به عنوان مبانی و اصول اولیه پیوند اعضا از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۱. اقسام پیوند اعضا

مهم ترین بحث در پیوند اعضا راه‌های تأمین عضو برای پیوند است. برای تأمین عضو جهت پیوند چهار راه قابل تصور است:

الف- مصنوعات پزشکی: مصنوعات پزشکی که برای استفاده در بدن انسان جاسازی شوند دو نوع اند یا متحرک و قابل انفکاک از بدن مانند دست و پای مصنوعی و یا ثابت و غیر قابل انفکاک مانند قطعات فلزی که به جای استخوان در شکستگی‌ها در بدن قرار داده می‌شوند.^۱

ب- حیوان: مانند استفاده از استخوان، کبد و قلب خوک و استفاده از انسولین گرفته شده از بدن گاو جهت درمان بیماران دیابتی.^۲

ج- اعضای انسان زنده: در این صورت عضو پیوندی یا از بدن خود انسان برداشته می‌شود مانند آنچه برای ترمیم پوست در سوختگی‌ها و غیره اتفاق می‌افتد یا از بدن انسان زنده دیگر.^۳

د- اعضای انسان مرده: که در این صورت عضو پیوندی یا از جسد برداشته می‌شود یا از انسان مبتلا به مرگ مغزی.^۴

۱- حبیبی، حسین، مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۷۶-۷۷.

۲- البار، محمدعلی، انتفاع الانسان باعضاء انسان آخر حياً و وصیة، مجله مجمع الفقه الاسلامی، شماره ۱، ص ۸۹-۱۱۷.

۳- همان.

۴- همان.

۲-۱-۱. پیوند از اعضای مصنوعی

انسان از زمان‌های بسیار دور با از دست دادن اعضای مانند دست و پا در اندیشه‌ی استفاده از چوب، فلز و... به جای عضو از دست رفته بوده است. در بسیاری از آثار تاریخی، مجسمه‌ها و طراحی‌هایی وجود دارد که در آنها انسان‌هایی با دست یا پای چوبی یا فلزی نشان داده شده‌اند. در عصر حاضر گسترش علوم و صنایع، اندام‌های مصنوعی متنوعی را به وجود آورد که به وسیله‌ی آنها می‌توان راه رفت، دوید و حتی ورزش کرد. اندام‌های مهمی چون قلب و دریچه‌های حیات بخش آن تولید شد و در اختیار انسان‌های نیازمند قرار گرفت و به آنها زندگی دوباره بخشید. با افزایش معلولیت‌های جسمی ناشی از حوادث طبیعی، تصادفات و جنگ و بکارگیری اعضای مصنوعی به صورت چشم‌گیری توسعه یافته و اکنون یکی از فعالیتهای روزمره جهان کنونی است. این فعالیت نه تنها به عنوان یک فعالیت پزشکی، پزشکان را مشغول ساخته بلکه به عنوان یک فعالیت صنعتی درآمده است^۱.

اعضای مصنوعی به دو صورت اند: یا قابل انفکاک از بدن و متحرک، مانند دست و پای مصنوعی، و یا ثابت و غیرقابل انفکاک. در هر دو صورت، از نظر شرعی اشکالی به نظر نمی‌رسد. مگر در مورد به کارگیری پروتزهای مصنوعی دندان که از طلا ساخته شده‌اند. با عنایت به این که از پوشش طلا و زینت به آن برای مردان شرعاً حرام است و نماز خواندن با پوشش طلا برای مردان موجب ابطال نماز است، بسیاری از فقها در بحث از فروعات لباس نمازگزار، این فرع را نیز مطرح ساخته‌اند که استفاده از دندان طلا یا استفاده از روکش طلا برای دندان‌ها در مورد مردان در صورتی که در دندان‌های پیشین و به قصد زینت باشد، حرام است.^۲ البته در میان فقها در این مسأله اختلاف نظر وجود دارد، زیرا آنچه شرعاً بر مردان حرام است زینت به طلا و استفاده از پوشش طلا است، چه در نماز و چه در غیر نماز. لذا امام خمینی در تحریر الوسیله می‌گوید: استفاده از طلا برای محکم نمودن دندانها یا استفاده از روکش طلا یا دندان طلا در نماز و غیر نماز برای مردان جایز است^۳، سپس در مورد داندانهای پیشین، استفاده از دندان یا روکش طلا را در

۱ - حبیبی، حسین، همان، ص ۷۸.

۲ - مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص ۱۵۶، مسأله ۷۶۲.

۳ - موسوی خمینی، تحریر الوسیله ج ۱ ص ۱۴۶.

صورتی که به قصد زینت به کار گرفته شده باشد، خالی از اشکال ندانسته و ترک آن را احتیاط واجب می‌داند، لکن برخی دیگر از فقهای امامیه چون عنوان زینت یا پوشش طلا را در مورد استفاده از دندان طلا یا روکش طلا صادق نمی‌دانند، فتوا به جواز استعمال داده‌اند.

فقهای اهل سنت نیز به اتفاق، استفاده از دندان، انگشت و بینی مصنوعی ساخته شده از طلا را در صورتی که ساختن آنها از طلا ضروری باشد، جایز می‌دانند، اما اگر نقره یا فلزات دیگر بتوانند در ساختن اعضای مصنوعی جانشین طلا شوند در این صورت بین فقهای اهل سنت اختلاف وجود دارد. شافعیه و مالکیه استفاده از اعضای مصنوعی ساخته شده از طلا را مطلقاً جایز می‌دانند، اما حنفیه در صورتیکه استفاده از طلا ضرورت نداشته باشد استعمال اعضای مصنوعی ساخته شده از طلا را جایز نمی‌دانند.^۱ اما در ساختن دست و پا و انگشت کامل دست یا پا از طلا، حنفیه و شافعیه در کتابهای معتبر خود چنین استدلال می‌کنند، که چون این اعضا نمایشی هستند و کاری از آنها بر نمی‌آید و تنها برای زینت استفاده می‌شوند، پس ضرورتی وجود ندارد تا به موجب آن ارتکاب عمل مصنوعی شرعی، مجاز گردد.

از مجموع این مباحثی که گفته شد این معنا استعمال می‌شود که استعمال اعضای مصنوعی ساخته شده از غیر طلا، به اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت جایز است.

۲-۱-۲. پیوند از اعضای حیوان:

در پیوند اعضای حیوانات به انسان، عضو پیوندی، یا از حیوان غیر نجس العین برداشت می‌شود یا از حیوان نجس العین.

در صورت نخست، با ذبح شرعی حیوان و تزکیه آن در برداشت عضو و پیوند آن به انسان از نظر شرع مشکلی عارض نخواهد شد، خواه حیات در عضو پیوندی حلول کند یا نکند، اما در خصوص پیوند عضو از حیوان نجس العین با توجه به مشابهت و همگونی بسیار بین بافت‌های خوک برای پیوند به انسان- های بیمار به عمل آورده‌اند، در آخرین اقدام در ایالت آسام هند قلب خوک را به انسان بیماری پیوند

۱- البوطی، محمد سعید رمضان، قضا یا فقهیه معاصره، ص ۱۱۳.

زند که پس از عمل، محل بیمار گیرنده پیوند، خوب توصیف شده است^۱. بنابراین، در صورتی که عضو پیوندی از اعضای حیوان نجس العین، مانند خوک، برداشت و به ظاهر بدن انسان بیماری پیوند شود، تنها اشکالی که از نظر شرعی به نظر می‌رسد این است که عضو برداشت شده نجس و حمل آن موجب بطلان نماز است. پس به عنوان نهی از منکر باید از پیوند آن جلوگیری به عمل آید، لکن این استدلال صحیح نیست، زیرا عضو پیوند شده از حیوان نجس العین، پس از پیوند، حیات پیدا می‌کند و از عضویت حیوان، خارج و به عضویت انسان در آمده و طهارت می‌یابد^۲. و به فرض اگر نجاست عضو پیوندی هم باقی باشد، چون زائل ساختن آن موجب حصول ضرر و حرج و مشقت برای گیرنده عضو خواهد بود و با استناد به قاعده لاضرر و قاعده نفی حرج، وجوب ازاله آن عضو برای نماز ساقط می‌شود و از تنجز می‌افتد. بلکه می‌توان گفت همراه داشتن عضو پیوندی از حیوان نجس العین در نماز، همانند محمول نجس است که برخی از فقها، هم چون صاحب جواهر آن را مبطل نماز نمی‌دانند. هم‌چنین در مدت زمان پیش از حلول حیات در عضو پیوندی از حیوان نجس العین، در صورتی که ازاله آن عضو موجب حصول ضرر گیرنده عضو باشد، باز قاعده لاضرر و نفی حرج، وجوب ازاله‌ی عضو نجس را برای نماز از تنجز و فعالیت ساقط می‌کند.

۲-۱-۳. پیوند از اعضای انسان زنده

یکی دیگر از راه‌های تأمین اعضای مورد نظر برای پیوند استفاده از اعضای بدن انسان زنده است که ممکن است به خود شخص و یا به شخص زنده‌ی دیگر پیوند شود. بنابراین پیوند اعضا به دو گونه ذیل است:

الف- پیوند از صاحب عضو به خودش

برداشت عضو از انسان زنده، گیرنده و دهنده یکی است یعنی پیوند از صاحب عضو به خودش است. گاهی بر اثر حادثه، حد یا قصاص عضوی از بدن انسان بریده می‌شود. آیا در صورت امکان انسان می‌تواند آن عضو را مجدداً به بدن خودش پیوند دهد؟ یا برای ترمیم قسمتی از پوست یا استخوان خرد

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۹/۲۹، ص ۵.

۲- موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۵ و همو، رساله توضیح المسائل، مسئله ۲۸۶۱.

شده یا اصلاح رگ‌های آسیب دیده می‌تواند از نواحی دیگر بدنش این اجزای مورد نیاز را جدا کند و به قسمت آسیب دیده پیوند دهد. هم‌اکنون این عملیات به صورت وسیعی انجام می‌شود و هیچگونه منع قانونی و شرعی ندارد. حتی گاهی هم نیاز به اخذ اجازه از بیمار یا اولیای او نیست زیرا به تنها انجام آنها موجب به خطر افتادن سلامت بیمار می‌شود بلکه در برخی موارد ضرورت می‌یابد. و برای سلامتی و حفظ حیات شخص راه دیگری نیست. یا نسبت به راه‌های درمانی دیگر راه مطمئن‌تری است.^۱

ب- پیوند اعضای انسان زنده به انسان دیگر

در این نوع پیوند شرط مورد اتفاق همه فقها رضایت شخص اعطا کننده عضو و لازمه نافذ بودن چنین رضایتی دارا بودن شرایط عمومی تکلیف، از جمله بلوغ و عقل، است. بنابراین جدا کردن عضوی از بدن کودک نابالغ و یا مجنون، به منظور پیوند زدن آن به بدن انسانی دیگر، حتی با اذن ولی او جایز نیست، زیرا ولایت ولی بر کودک و مجنون تا این اندازه سعه ندارد.^۲ گذشته از این نوع عضو و وضع فرد اعطا کننده باید در نظر گرفته شود، از جمله این که اگر عضو مورد نظر از اعضای اصلی بدن، مانند قلب یا مغز، باشد و برداشت آن به مرگ شخص بینجامد یا جان او را به خطر بیندازد، به رغم رضایت خود او برداشت این عضو به اتفاق همه فقها (از جمله آیت‌الله خویی، زحیلی) حرام و مصداق خودکشی است.^۳

همچنین چنانچه برداشت یک عضو به نقص جدی بدن بینجامد (مانند برداشت چشم یا قطع یک پا) یا زیان مهمی به آن وارد کند، غالب فقها این کار را حرام و مصداق اضرار به نفس می‌دانند.^۴

بر همین اساس، در صورتی که برداشت عضو به سلامتی اعطا کننده لطمه نزند و حیات مسلمانی متوقف بر آن باشد و از راه دیگری نیز قابل تأمین نباشد. مانند اعطای یک کلیه به کسی که به آن نیاز دارد، در جایز بودن آن اختلاف چندانی نیست.^۵

۱ - تسخیری، محمدعلی، مقاله «مسئله پیوند عضو قطع شده در حد یا قصاص»، ص ۳۶۷.

۲ - مکارم شیرازی، ناصر. ص ۱۵۲.

۳ - مؤمن قمی، محمد، مجله فقه اهل بیت، ش ۱۲-۱۱ ص ۱۶۵-۱۶۶.

۴ - زحیلی، وهبه، الفقه اسلامی وادلته، ج ۹، ص ۳۵-۳۶.

۵ - بهجت، محمد تقی، «ملحقات رساله آیت الله بهجت» در توضیح المسائل مراجع، ج ۱۲، ص ۳۰.

۲-۱-۴. پیوند از انسان مرده

پیوند عضو از انسان مرده به زنده قبل از مرگ آن عضو که این خود دو صورت دارد: بعد از سکتة قلبی و بعد از مرگ مغزی.

در مورد سکتة قلبی، دانش پزشکی جدید به اثبات رسانده است که اعضای انسان در لحظه سکتة قلبی، حیات خود را یکباره از دست نمی‌دهند، بلکه در این لحظه حیات عضو ادامه دارد؛ زیرا بین یک عضو تا عضو دیگر فاصله کوتاهی وجود دارد که گاهی در بعضی اعضا تا چند دقیقه به هم می‌رسد و در حالات سکتة قلبی، این فرصت، فرصتی طلایی برای نقل عضو میّت به بیمار است؛ اما این فرصت به قدری کوتاه است که پزشکان جراح نمی‌توانند عضو مورد نظر را از میّت به بیمار انتقال بدهند مگر در حالتی جداً نادر.

اما در حالت مرگ مغزی، پزشکان می‌توانند حیات و حرکت قلب و سایر اعضای درونی و بیرونی بیمار را حفظ کنند.^۱

مراد ما از مرگ مغزی، حالتی است که بازگشت ادراک و احساس و حرکت به بیمار، از دیدگاه پزشکی محال است. در این حالات، قلب به صورت طبیعی یا به واسطه تجهیزات جدید پزشکی، همچنان خون را به گردش در می‌آورد و در نتیجه اعضای درونی و بیرونی به حیات عادی خود ادامه می‌دهند. در این حالت فرصت کافی برای عمل جراحی وجود دارد و می‌توان با موفقیت کامل، عضو اهدا کننده را به بیمار پیوند زد.^۲

از سوی فقیهان و از نظر اخلاق پزشکی، این صورت است که مورد مناقشه جدی و حقیقی واقع شده است. اشکالات فراوانی وجود دارد که فقیه باید به حل آنها پردازد؛ از جمله این که از نظر شرعی، ثبوت مرگ با مرگ مغزی روشن نیست. اگر سخن پزشکان جدید ثابت شود که در مرگ مغزی، شخص در واقع مرده است، اگر چه قلب او به کمک تجهیزات پزشکی یا بدون آن به وظیفه خود عمل کند، در

۱ - آصفی، محمد مهدی، مجله فقه اهل بیت، ج ۳۱، ص ۳.

۲ - همان، ص ۵.

این صورت پزشکی جراح می‌تواند عضو او را به مریض نیازمند منتقل کند^۱. دو ایراد وجود دارد که از اعضای میت برای پیوند استفاده کنیم.

ایراد اول: حرمت مثله کردن میت

قطع اعضای میت حرام است، و همان طور که زنده مؤمن احترام دارد، مرده او هم محترم است. به این مضمون روایات صحیح متعددی وارد شده که برخی از آنها از این قرار است:

الف) صحیح‌ه عبدالله بن سنان است که امام صادق (ع) در مورد مردی که سر مرده‌ای را بریده بود فرمود: باید دیه پردازد؛ زیرا احترام مرده او مانند احترام زنده اوست^۲.

ب) صحیح‌ه جمیل از امام صادق (ع) بریدن سر میت از بریدن سر انسان زنده بدتر است. این حدیث را شیخ به اسناد خود از ابن ابی عمیر روایت کرده است^۳.

ج) صحیح‌ه صفوان از امام صادق (ع):

خداوند دوست ندارد که به مؤمن جز گمان خیر برده شود و شکستن استخوان‌های زنده و مرده، یکسان است^۴

این شبهه بالاتر از اشکال قطع عضو انسان زنده مانند کلیه در حالات ضرورت و وجوب نجات بیمار، نیست. همان طور که انسان زنده از باب تقدیم اهم بر مهم در دو حکم متزاحم، می‌تواند اجازه دهد عضوی از او را برای نجات بیماری قطع کنند، همچنین می‌تواند اجازه دهد عضوی از اعضایش را پس از مرگ برای پیوند به بیمار، قطع کنند. بنابراین می‌توان پس از مرگ وی و پرداختن دیه معین شرعی به وارثان میت، عضو مورد نظر را قطع کرد^۵.

۱ - همان، ص ۶.

۲ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۴۸.

۳ - همان، ص ۲۴۹.

۴ - همان، ص ۲۵۱.

۵ - همان، ج ۱۷، ص ۵۸۶.